

ساختار معنایی امید در آیات قرآن کریم

مرتضی مطهری پور*
مسعود آذربایجانی**

چکیده

امید از جمله موضوعاتی است که همواره مورد توجه ادیان و مذاهب اخلاق محور، بوده است. در آموزه‌های قرآن و روایات، ابعاد مختلف این مسئله با واژگانی چون، رجا، أمل، تمنی و طمع، مورد بررسی قرار گرفته است. امید به معنای داشتن انتظار مثبت برای رسیدن به هدف و دارای حداقل چهار مؤلفه اصلی: اهداف، باور به اسباب و علل، توکل به خدا و تلاش است. مهم‌ترین یافته‌های مقاله حاضر آن است که در آیات قرآن هدف، دستیابی به قرب الهی و مقام خلافت الهی است و تهذیب نفس، افزایش شوق و محبت به خدا و اصلاح و تربیت و صدور اعمال نیک از پیامدهای امید، در آموزه‌های اسلامی و آیات قرآن دانسته می‌شود. انسانی که از فقدان معنا در زندگی رنج می‌برد و امور زندگی مادی او را ارضا نمی‌کند، فقط اعتقاد به مبدأ هستی و امید به رحمت بی‌انتهای او و لقای پروردگار، روزه‌ای در دل او می‌افکند که تسلی بخش روح خسته و آزرده او می‌گردد و هیچ‌گاه در فراز و فرودهای زندگی احساس تنهایی نمی‌کند.

واژگان کلیدی

آیات امیدبخش، مؤلفه‌های امید، آثار امید.

m.motaharipour@yahoo.com
mazarbayejani110@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۵

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی البرز (نویسنده مسئول).
**. دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۱

طرح مسئله

امید پشوانه محکمی برای حرکت انسان در جهت غلبه بر اضطراب و آسان کردن مشکلات زندگی است. آنچه باعث می‌شود انسان به کار و کوشش پرداخته و با شوق و انگیزه‌ای بیشتر مشغول تلاش باشد و در مسائل علمی، در اختراع، اکتشاف، صنعت، هنر و ... پیشرفت کند، امید به موفقیت در حل مشکلات جامعه است؛ در آموزه‌های دینی امید به آینده به عنوان یکی از عوامل پیشرفت جوامع انسانی و نیز یکی از امتیازهای مکتب انبیاء الهی شمرده شده است.

آموزه‌های دین مبین اسلام آینده روشنی در دنیا و آخرت برای مؤمنان وعده داده است: «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف / ۱۲۸) پیامبر اعظم (ﷺ) امید را رحمت الهی دانسته و می‌فرماید: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَلَوْ لَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةُ وَلَدَهَا وَلَا غَرَسَ غَارِسُ شَجَرًا» (دیلمی، ۱۴۰۸: ۲۹۵)؛ امید، رحمت خدا برای امت من است و اگر امید نباشد هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌دهد و هیچ باغبانی نهالی را در زمین نمی‌کارد. مادر نماد عاطفه و مهربانی است و امید مادر را به مهربانی و ریزش باران عطوفت از مادر وامی‌دارد.

امام علی (علیه السلام) امید را موجب انس و آرامش دانسته و می‌فرماید: «الْأَمَلُ رَفِيقٌ مُؤْنَسٌ، (لیثی واسطی، ۱۳۸۷: ۲۹)؛ امید و آرزو، همنشینی است که باعث انس و آرامش می‌شود».

لحظه لحظه زندگی انسان با امید همراه است و انسان هر دوره از عمر خود را به امید رسیدن به دوره بعد پشت سر می‌گذارد، امیدهای تازه به فرد توان و انگیزه می‌دهد و به زندگی‌اش معنا می‌بخشد، که البته این امید به آینده و انتظار تحقق فردای بهتر، ریشه در یک ویژگی فطری دارد و آن کمال جویی انسان است، از این رو در آموزه‌های دینی به ویژه در قرآن کریم، امید جایگاه ویژه‌ای دارد، قرآن برای تشویق و ترغیب انسان به کارهای شایسته بهره فراوانی از امید برده است.

امید در قرآن

قرآن مکرر و به شیوه‌های مختلف درباره امید و امیدواری به آینده سخن گفته است، بیان سرگذشت انبیاء الهی و حوادث تلخ و مرارت‌بار زندگی آن انسان‌های بزرگ، الگویی برای بشریت است، که در پرتوی امید و رحمت الهی، شکست‌های انسان را به عرصه تجربه برای موفقیت در آینده تبدیل کند. حضرت نوح (علیه السلام) در مدت ۹۵۰ سال پیامبری فقط تعداد کمی به او ایمان آورده‌اند و در برابر اذیت و آزار قومش هرگز ناامید نشد، (عنکبوت / ۱۴) داستان حضرت یعقوب (علیه السلام) و اصرار به جستجوی یوسف (علیه السلام)، علی‌رغم اینکه برادران یوسف، تقریباً اطمینان به عدم وجود یوسف داشتند، بیانگر روح امید در یعقوب و ایمان به قدرت لایزال الهی است که یاس و ناامیدی را از او دور می‌سازد (یوسف / ۸۷) امید حضرت ابراهیم (علیه السلام) به یاری نمودن خدا، اراده او را در مواجهه با نمرد قوی‌تر نمود و با آغوشی باز به استقبال آتش نمرد رفت و آتش به گلستان تبدیل شد. (انبیاء / ۶۹)

ایوب علیه السلام سبیل صبر و شکیبایی نیز با امید به لطف و رحمت الهی پس از تحمل رنج و سختی، سلامتی و نعمت‌های از دست رفته را باز می‌یابد (ص / ۴۳) حضرت موسی علیه السلام با آن همه آزار و اذیتی که از فرعون و قوم خود دید، لحظه‌ای ناامید نشد (مائده / ۲۵ - ۲۱) و بالاتر از همه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که بیشترین سختی را در طول تاریخ رسالت خود متحمل شد هرگز ناامید نگشت و دست از تلاش بر نداشت تا اینکه سر انجام پیروز شد (یونس / ۱۵ و ۲۰) خدای متعال در قرآن کریم به انسان گناه‌کاری که بر اثر کثرت گناهان قصد ادامه گناه دارد، چنین گوشزد می‌فرماید: «لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا» (زمر / ۵۳) از رحمت خدا مأیوس نباشید؛ چرا که خدا همه گناهان را مورد آمرزش قرار می‌دهد.

گستره امیدبخشی قرآن محدود به زندگی دنیا نیست، بلکه آخرت را نیز شامل می‌شود که آیات بشارت به نعمت‌های بهشتی نمونه‌ای از آن است.

روش‌شناسی فهم معنایی آیات قرآن

در تجزیه و تحلیل معنایی کلمات قرآن باید به اصول حاکم و روابط معنایی واژگان قرآنی توجه کرد، ایزوتسو از جمله شخصیت‌های پیش‌تاز این عرصه است که روش خاصی را برای پژوهش در قرآن انتخاب می‌کند. روش او برگرفته از دیدگاه‌های وایزبرگر^۱ استاد دانشگاه بون است. او افزون بر تحلیل و توصیف کلمات کلیدی به‌منظور تفسیر کردن جهانی که آن قوم را احاطه کرده و پیدا کردن میدان‌های معناشناختی واژه‌های اصلی قرآن، برای ارائه تصویر جامعی از معنا، به جستجو در موارد استعمال و فضاهای فرهنگی الفاظ نیز توجه نموده است.

برخی از اصول روش‌شناسی تبیین شده توسط ایزوتسو برای فهم معانی واژه‌ها در متن عبارت‌اند از:

۱. تعریف بافتی یا متنی: زمانی است که معنای دقیق یک واژه به‌طور عینی از روی بافت آن و از راه توصیف لفظی روشن گردد که یک واژه در جمله با توجه به هم‌نشین‌های خود تجزیه و تحلیل می‌شود، مثل تعریف «بر» در آیه: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا... وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...» (بقره / ۱۷۷)
۲. واژه‌های مترادف که در بافتی یکسان یا بافتی دارای ساختمان صوری مشابه، که کلمه‌ای جانشین کلمه دیگر شود، مورد تحلیل قرار می‌گیرد، مانند: «يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ»، (یوسف / ۲۹) ترادف دو کلمه «ذنب» و «خطیئه» («بأساء» و «ضراء» شبیه ۹۵ - ۹۲ سوره اعراف)
۳. پی بردن به ساخت معنایی یک واژه از روی متضاد آن، مثل واژه کفر و ایمان یا فاسق و مؤمن (خیر و حسنه ← شر و سیئه) که هر کدام معانی خاصی را در مومن افاده می‌کند.

1. Weisberger.

۴. ساخت معنایی یک واژه مبهم از روی صورت منفی آن روشن می‌شود، البته این مورد در جایی جایز است که حوزه دلالت واژه محدود باشد. (لا یتکبرون ← تکبر و غرور)

۵. شبکه معنایی واژه‌ها، که بعضی از آنها در همه جا نسبت به ترکیب با برخی واژه‌های دیگر در بافت کاربردی خود گرایش نشان می‌دهند و دارای روابط معنایی در حوزه خاصی هستند، مثل واژه افتراء، کذب و ظالم که در قرآن یک حوزه معنایی را تشکیل می‌دهند.

۶. گاهی موازنه ساختمان دستوری یا مترادف عبارات، وجود یک رابطه معنایی را میان دو واژه آشکار می‌سازد، گرچه این واژگان در قرآن کمتر به کار رفته‌اند، اما وجود دارند، مثل آیه: «مَا يَجْعَدُ بَيَاتِنًا إِلَّا الْكَافِرُونَ» (عنکبوت / ۴۷) - «مَا يَجْعَدُ بَيَاتِنًا إِلَّا الظَّالِمُونَ» (عنکبوت / ۴۹) موازنه و مترادف ساختمان آنها به ما کمک می‌کند تا جنبه خاصی از حوزه معنایی را آشکار نماییم.

۷. استعمال برخی واژه‌های قرآنی در بافت غیردینی و جنبه‌های مادی و ناسوتی که معنای آنها آشکارتر است، مانند: «قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلَبِيدًا وَلَكَيْتَ فِينَا مِنْ عُمَرِكَ سِنِينَ * وَقَعَلْتَ فَعَلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (شعرا / ۱۹ - ۱۸) گفته فرعون به موسی در مورد کفر، عنصر ناسپاسی را کاملاً روشن می‌سازد. (ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۸۳ - ۷۴)

در اینجا علی‌رغم اختلاف با مبانی فکری و برداشت‌های ایزوتسو از قرآن کریم، با پذیرش اصول کلی و الهام از روش‌شناسی وی، گزاره‌های حاصل از آیات قرآن در بخش مفاهیم همسان امید مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

بررسی مفاهیم همسان با امید

موضوع امید در بسیاری از آیات قرآن کریم و روایات با مشتقات واژگانی چون رجا، امل، طمع، عسی، لعل، خوف، تمنی، خشیت، رغبت، انتظار، بشارت و انذار به کار رفته است و امیدواری به فضل و رحمت خدا یکی از ویژگی‌های انسان‌های صالح و نیکوکار شمرده شده است. (بقره / ۲۱۸) البته معنای این اصطلاح بسته به متن آیه مختلف است، در برخی آیات امید با واژه‌هایی مانند «عَسَى» (مائده / ۵۲) و «لَعَلَّ» (طه / ۴۴) به خدا نسبت داده شده است. در این گونه موارد، اگر نگوییم استعمال امید مجازی است، باید آن را با توجه به انسان‌ها و اعمال و رفتار آنها تصور کرد و گفت، خدا در موارد مزبور خواسته است با این روش، مخاطب یا شخص دیگری را نسبت به وقوع امری امیدوار سازد. (جمعی از محققان، ۱۳۸۶: ۴ / ۴۰۲) یا مثلاً واژه امل هم به معنای امید واهی برخلاف اراده الهی (حجر / ۳) و هم به معنای امید پاداش برای انجام خوبی‌ها (کهف / ۴۶) به کار رفته است، واژه طمع نیز به معانی مختلفی به کار رفته است: امید به بخشایش (شعراء / ۵۱ و ۸۲) و اشتیاق وارد شدن به بهشت. (اعراف / ۴۶؛ معارج / ۳۸؛ مائده / ۸۴)

از میان واژگان و مفاهیم فوق، مهم‌ترین واژگان معادل فارسی امید: رجا، امل، تمنی و طمع است که در ادامه به بررسی آن پرداخته می‌شود:

یک. رجا

در دانش معناشناسی، معنا دارای انواعی است و شامل هم‌معنایی،^۱ چندمعنایی،^۲ تناقض معنایی،^۳ استلزام^۴ و شمول معنایی^۵ می‌شود. «وجوه» و «نظائر» در مورد کلمات قرآن را می‌توان از نوع چندمعنایی به‌شمار آورد. در تعریف چندمعنایی گفته‌اند: «ما در زبان تنها با واژه‌های مختلف که دارای معانی گوناگون هستند، سر و کار نداریم، بلکه به برخی واژه‌ها برخورد می‌کنیم که به تنهایی از چندمعنا برخوردار هستند». این مسئله را چند معنایی و چنین کلماتی را چندمعنا می‌نامیم. (پالمر، ۱۳۶۶: ۱۱۵) عالمان علوم قرآن از واژه‌ای که در چند جای قرآن به یک لفظ و یک حرکت ذکر شده و در هر جا معنای مستقل دارد، به وجوه و نظائر تعبیر می‌کنند، به‌طوری که اگر لفظی در جایی به یک معنا آمده و لفظ دیگری در جای دیگر با همان معنا آمده باشد، آن را «نظائر» می‌گویند و اگر در لفظ یا عبارتی، چند معنا احتمال رود، این معانی را «وجوه» می‌نامند. کلمه رجا در زبان عربی معانی متفاوتی یافته است، به‌عنوان مثال: دامغانی (۱۴۱۶: ۱ / ۳۶۲) پنج وجه برای رجا بیان می‌کند: ۱. طمع: «يَرْجُونَ رَحْمَةً، وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ» (اسراء / ۵۷)، «أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ» (بقره / ۲۱۸)؛ ۲. خشیت: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ» (کهف / ۱۱۰)، «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ» (عنکبوت / ۵)، «لَا يَرْجُونَ لِقَاءَ رَبِّهِ» (نبا / ۲۷)، «وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَ رَبِّهِ» (فرقان / ۲۱)؛ ۳. حبس: «قَالُوا أَرْجَاهُ وَأَخَاهُ» (شعرا / ۳۶)؛ اعراف / ۱۱۱)؛ ۴. طرف و ناحیه: «وَالْمَلِكُ عَلَى أَرْجَائِهَا» (حاقه / ۱۷)؛ ۵. ترک: «تُرْجَى مَنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ وَتُؤْوَى إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ». (احزاب / ۵۱) البته وجوه دیگری نیز برای رجا در کتاب‌های وجوه و نظائر ذکر شده است که مورد بحث این مقاله نیست.

امید با واژه «رجا» از ریشه «رجو» با ۱۱ لفظ و ۲۸ بار در ۲۱ سوره قرآن، به‌کار رفته است. رجا در لغت به‌معنای امید داشتن (معلوف، ۱۹۹۲: ماده رجا) و انتظار حصول خیر و میل در آن است. (مصطفوی، ۱۴۱۶: ۴ / ۸۴) و حقیقت آن عبارت است از حالت نفسانی و شادمانی دل که منتظر فرمان محبوب خویش است و زمانی تحقق می‌یابد که فرد امیدوار در تهیه تمام اسباب و شرایط رسیدن به امر مورد انتظار، کوشش و تلاش جدی نماید، مانند کشاورزی که زمین را شخم زده، بذر را در آن می‌پاشد و در انتظار محصول می‌ماند؛ به تعبیر دیگر وقتی انسان گمان دارد که در آینده نعمتی نصیب او می‌شود و از آن لذت برده و بهره‌مند می‌شود، احساس خوب و حالت مطلوب و شیرینی به او دست می‌دهد که آن حالت رجا و امید نامیده می‌شود.

1. Synonymy.
2. Polysemy.
3. Incompatibility.
4. Hyponymy.
5. Entailment.

دو. امل

«أَمَل» دو بار در دو سوره مکی؛ یکبار به معنای آرزوی نیکو (کهف / ۴۶) و بار دیگر به معنای آرزوی نکوهیده (حجر / ۳) و یکبار در سوره مدنی به معنای آرزوی طولانی (نکوهیده) (محمد / ۲۵) به کار رفته است. برخی لغت‌شناسان امل و رجا را از جهت معنا نزدیک به هم دانسته‌اند و امل را به معنای امید، آرزو، درنگ و انتظار گرفته‌اند (ابن فارس، ۱۴۲۲: ۱ / ۱۴۰) در طلیعه مناجات الراجین امام سجاد علیه السلام «أَمَل» به معنای امید به کار رفته است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰: ۲۷۲) «وَإِذَا أَمَلُ مَا عِنْدَهُ بَلَغَهُ مُنَاةٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۰۸) و هرگاه امید و چشم‌داشتی به آنچه نزد اوست، داشته باشد به امیدش رهنمون می‌سازد».

می‌توان گفت، «أَمَل» آرزویی است که انتظاری طولانی در آن وجود دارد و امکان حصول و دستیابی به آن بعید است و متعلق «أَمَل» بیشتر امور مادی و مرتبط با زندگی دنیوی است و اگر در خدمت خواسته‌های نفسانی و بهره‌مندی بیشتر از دنیا و موجب غفلت از آخرت باشد، مذموم شناخته می‌شود، خدای متعال کفار را به خاطر آرزوی ماندگاری در دنیا مذمت کرده و می‌فرماید: «ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَلِلَّهِمُ الْأَكْمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» (حجر / ۳)، و این همان چیزی است که امیرمؤمنان علیه السلام نسبت به آن به مؤمنان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «من بر شما از آرزوهای دراز می‌ترسم» (نهج البلاغه، خطبه ۴۲) که مبدا خواسته‌های نفسانی موجب فراموشی آخرت گردد.

سه. تمنی

در قرآن کریم واژه «مَنی» و مشتقات آن ۲۱ بار که در بیشتر موارد مقصود آرزوهای نکوهیده است، به کار رفته است. راغب در مفردات الفاظ القرآن، معنای «مَنی» و «تمنی» را نزدیک به هم دانسته که اغلب به تصورات باطل و چیزهایی که حقیقت ندارد، اطلاق می‌شوند، تمنی از ماده مَنی (بر وزن مشی) به معنای تقدیر (اندازه گیری) و فرض است، آرزو کردن، تقدیر و تصویر چیزی در نفس که غالباً از تخمین و ظن ناشی می‌شود، (راغب اصفهانی، بی‌تا: ۷۷۹) آرزوها را از این جهت تمنی می‌گویند که انسان تقدیر و تصویر آن را در ذهن خود می‌پروراند؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۴ / ۱۵۵) به عبارت دیگر تمنی به آرزوهایی گفته می‌شود که انسان تحقق آنها را دوست دارد؛ اعم از اینکه ممکن باشد یا ممکن نباشد، مثل کسی که فرزندی ندارد و آرزوی داشتن فرزندی می‌کند یا انسانی که آرزوی فناپذیری و جاودانگی می‌کند و یا داشتن دو بال برای پرواز را آرزو می‌کند. (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۱۴ / ۵۵۲) در حقیقت تمنی، داشتن آرزوی قلبی در ابتدای کار است که هنوز مقدمات کار فراهم نشده است مانند کشاورزی که بدون شیار کردن زمین و بذر افشانی در آن، منتظر محصول باشد (جوادی، ۱۳۷۹: ۱۱ / ۳۰۲) و چون اکثر آرزوها مبتنی بر حقیقت نیستند مثل سخن قرآن: «أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى»، (نجم / ۲۴) «فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ»، (بقره / ۹۴) «وَلَا يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا» (جمعه / ۷) از این رو در

قرآن تمنی محکوم شده است: «لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ» (نساء / ۱۲۳) «أَمَانِي» (جمع امنیه) به معنای صورت حاصله از تمنی چیزی در نفس (راغب اصفهانی، همان: ۷۸۰) است که هم به معنای امید و آرزوی دوست داشتنی به کار می‌رود و هم به معنای وعده‌های دروغ، از این‌رو در قرآن این واژه هم در مورد انبیاء الهی و هم در مورد شیطان به کار رفته است.

قرآن در سوره حج می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلَقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ» (حج / ۵۲) شیطان با وسوسه و تحریک ستم‌پیشگان و فسادانگیزان و نیز القای شبهات گمراه‌کننده در دل مردم، شرایط هدایت مومنان را برای پیامبران سخت می‌کرد. در آیه دیگر این امر را در مورد شیطان به کار می‌برد که شیطان با وعده‌های دروغین و سرگرم کردن انسان‌ها به آرزوهای پوچ و فریبنده، اسباب گمراهی را فراهم می‌سازد. (نساء / ۱۲۰ - ۱۱۹)

چهار. طمع

طمع و مشتقات آن ۱۲ بار، در قرآن مورد استفاده قرار گرفته است، طمع در لغت به معنای انتظار، امید، چشم‌داشت، توقع، حرص (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۰ / ۱۵۵۳۳) و آرزو و تمایل نفس به سوی چیزی از روی علاقه و آرزو (راغب اصفهانی، همان: ۵۲۴) است؛ برخی نیز گفته‌اند: طمع به معنای تمایل نفس به چیزی است که خارج از دست او است، مقابل استغنائی نفس. این صفت از صفات مهلکه و از آثار دنیا دوستی است، گاهی طمع به امر مستحسن است اگر چه طمع‌کننده مستحق آن نیست و گاهی نیز طمع، مذموم و قبیح است، مانند تمایل رسیدن به چیزی که حق آن نیست، مثل آرزو و تمایل به چیزی که در دست غیر او است و هیچ استحقاقی ندارد، (مصطفوی، ۱۴۱۶: ۷ / ۱۴۱) بنابراین طمع با توجه به متعلق خود ممدوح و مذموم است. در برخی از آیات کلمه طمع که با واژه خوف همراه است به معنای امیدواری می‌باشد، از جمله در آیه شریفه: «وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا». (روم / ۲۴)

از مجموع آنچه در تبیین معانی واژگان هم‌سان و معادل «رجا» گفته شد، می‌توان چنین استنباط کرد که همه این واژگان به نحوی به مفهوم «امید» اشاره دارند، اگرچه متعلق آنها و موارد استعمال هر یک از آنها متفاوت است، به عنوان مثال چنان که گفته شد واژه رجا، اغلب با کلمه خوف همراه است، متعلق «أمل» بیشتر امور مادی و مرتبط با زندگی دنیوی است که اگر موجب غفلت از یاد خدا و آخرت شود مذموم شمرده می‌شود، در تمنی صرف آرزوی داشتن یک چیز بدون توجه به فراهم بودن مقدمات است و در غالب موارد آرزوهای نکوهیده مراد است، از این‌رو در قرآن محکوم شده است و از آنجایی که طمع اکثراً از تمایلات و هواهای نفسانی ناشی می‌شود، آن را از صفات مذموم و ناپسند دانسته‌اند. در میان واژگان مذکور، فقط کلمه «رجا» به این امر اشاره دارد که فرد امیدوار در راه رسیدن به مطلوب، کار و تلاش می‌کند و موجبات رسیدن

به امر محبوب را فراهم می‌سازد. در حالی که در سه واژه دیگر، تنها امید رسیدن به امر محبوب را دارد، بدون اینکه خود را برای حصول به آن آماده و مهیا نماید. خلاصه اینکه واژه «امید» در بیشتر موارد ترجمه کلمه «رجا» است و در مورد مسائل معنوی کاربرد دارد و واژه «آرزو» بیشتر ترجمه کلمه «أمل» است و ناظر به مسائل مربوط به امور مادی و دنیوی است.

مؤلفه‌های امید از منظر قرآن و روایات

با بررسی متون دینی می‌توان مؤلفه‌های امید را از دیدگاه قرآن و روایات استنباط کرد.

یک. اهداف

انسان همواره در تلاش است تا چیزهایی را که مشتاق آن است به‌دست آورد. این امید دستیابی به هدف، عامل حرکت تکاملی انسان است؛ چرا که در تعریف هدف گفته‌اند: «آن حقیقت منظور که آگاهی و اشتیاق به‌دست آوردن آن، محرک انسان به‌سوی انجام دادن حرکات معینی است که آن حقیقت را قابل وصول می‌نماید» (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۲) این اهداف ممکن است در راستای بُعد مادی و حیوانی انسان باشد یا در جهت بعد معنوی و کمال انسانی او باشد، البته توجه در حکمت و هدف از آفرینش، انسان را در تشخیص راه صحیح یاری نموده و شوق رسیدن به اهداف عالی‌ه انسانی را در دل او می‌پروراند. «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مومنون / ۱۱۵) این آیه شریفه به‌صراحت هدفدار بودن خلقت انسان را گوشزد می‌کند و در آیات متعددی (حدود ۱۰۰ آیه) درباره حیات و تشبیه و تفسیر و توجیه و بیان هدف خلقت تذکر داده شده است و امید به لقای الهی به‌عنوان مهم‌ترین هدف مطرح شده و دستیابی به سایر اهداف حتی اهداف مادی و دنیوی نیز باید در راستای نیل به لقای الهی تعریف و تنظیم شود، از این‌رو می‌توان گفت مهم‌ترین مؤلفه امید، تحقق اهداف در آینده - که همان لقاء پروردگار است - می‌باشد: «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». (عنکبوت / ۵)

در جای دیگر می‌فرماید: «بگو جز این نیست که من هم بشری مانند شما هستم که به من وحی می‌شود که معبود شما فقط خدای یکتاست، پس کسی که دیدار (پاداش و مقام قرب) پروردگارش را امید دارد، پس باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نکند.» (کهف / ۱۱۰) در آیه دیگر دل‌بستگی و دلخوشی به زندگی دنیا را نتیجه نداشتن امید و ایمان به لقای پروردگار معرفی می‌کند. «إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ». (یونس / ۷)

بدین ترتیب از دیدگاه قرآن باید هدف نهایی انتخاب شود تا ضمن قرار دادن فرد در مسیر تکامل، باعث ایجاد تعهد به زندگی دنیا و ایجاد امید و آرامش در پرتو حفظ اصول و ارزش‌های الهی و انسانی گردد.

دو. باور به اسباب و علل

بر اساس منطق قرآن انسان به طور فطری آنچه را خیر و مطلوب بوده و باعث کمال او شود دوست داشته و در صدد دستیابی به آن بر می آید: «وَأَنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ» (عادیات / ۸) این علاقه و محبت، امید به خیر و کمال را در فرد برمی انگیزد، اما دستیابی به خیر و کمال مستلزم وجود شرایطی است که برخی از آنها در اختیار انسان و برخی از دایره قدرت و اختیار انسان خارج است، از این رو مسیرهای رسیدن به اهداف گاهی از طریق اسباب مادی فراهم می شود که «سنت خدا بر این قرار گرفته که امور از طریق اسباب مادی جریان داشته باشد»، (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۹۰) البته در این صورت نیز براساس جهان بینی توحیدی، موثر حقیقی خداست و همه تلاش انسان در دستیابی به اهداف دنیوی و اخروی از طریق اسباب مادی نیز باید با انگیزه الهی و در پرتو رعایت حدود الهی محقق خواهد شد، اما در بسیاری از موارد که امید انسان از اسباب ظاهری قطع می شود، انسان برای رسیدن به اهداف خود مسیرهای فرامادی و معنوی را جستجو می کند، علامه طباطبایی در ذیل آیه ۵۳ سوره نحل می نویسد:

همه انسان ها حتی انسان های بی دین و منکر خدا، در هنگام مواجهه با مصائب و سختی ها که امید انسان از هر جا و از همه اسباب ظاهری قطع می شود، به درگاه الهی استغاثه و تضرع می کند، خود دلیل بر این است که ما فوق این اسباب قطع شده سببی است که حوادث بزرگ نمی تواند آن را قطع کند و آدمی به هیچ وجه از آن بریده نیست و سببی است که زوال، فنا، سهو و نسیان نمی پذیرد و این امر فطری بوده و با مراجعه به وجدان حاصل می شود. (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۱۲ / ۳۹۳)

داستان ناامیدی برادران یوسف علیه السلام از نجات بنیامین توسط اسباب مادی و مراجعه به حضرت یعقوب علیه السلام (یوسف / ۸۲ - ۷۷) و توصیه حضرت یعقوب علیه السلام به جستجو از یوسف علیه السلام و بنیامین، نمونه ای است از توجه حضرت یعقوب علیه السلام به اسباب فرامادی و برتری آن به علل و عوامل مادی: «يَا بَنِي أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُّوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف / ۸۷) ای فرزندان بروید و از حال یوسف و برادرش تحقیق کرده و جویا شوید و از رحمت خدا نومید مباشید که جز کافر هیچ کس از رحمت خدا نومید نیست».

در این آیه، روح (به فتح راء و سکون واو) به معنای رحمت و گشایش کار است و «روح» منسوب به خدا همان فرج بعد از شدت است که به اذن و مشیت خدا صورت می گیرد. (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۲۳۵) طبق آیات قرآن، مسیرها همواره باز و متعددند و بسته انگاشتن آنها نوعی ناامیدی از رحمت الهی و از گناهان کبیره محسوب می شود: «قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (حجر / ۵۶) جز گمراهان کسی از رحمت

خدا مایوس نمی‌شود.» به‌همین دلیل، اگر انسانی به نیرویی فراتر از ماده معتقد باشد، هیچ‌گاه از دست دادن چیزی از امور دنیوی و حتی بسته شدن راه‌های دستیابی به هدف، او را افسرده و غمگین نمی‌کند، بلکه با اتکا بر نیروی صبر و توکل، در برابر مشکلات، بیشتر حالت تهاجمی به خود می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۱۷ / ۳۸۹) و با تأمل و تعقل، به‌سوی تلاش برای یافتن دیگر گذرگاه‌های رسیدن به هدف جهت‌گیری می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْثُرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛ (فصلت / ۳۰) آنان که گفتند محققا پروردگار ما خداست و بر این ایمان پایدار ماندند فرشتگان (رحمت) بر آنها نازل می‌شوند (و مژده دهند) که دیگر هیچ ترسی و حزن و اندوهی از گذشته خود ندارید و شما را به همان بهشتی که (انبیاء) وعده دادند بشارت باد».

این نکته بیانگر آن است که انسان‌هایی که به قدرت خدا که فوق همه مشکلات است، ایمان دارند ناامیدی را به خود راه نمی‌دهند و شکست در یک مسیر باعث توقف آنها نشده و در سایه امید، شکست‌ها و ناکامی‌ها به عرصه تجربه برای موفقیت آینده تبدیل می‌شود، امام علی علیه السلام می‌فرماید:

اجْعَلُوا كُلَّ رَجَائِكُمْ لِلَّهِ وَلَا تَرْجُوهُ أَحَدًا سِوَاهُ فَإِنَّهُ مَا رَجَا أَحَدٌ غَيْرَ اللَّهِ إِلَّا خَابَ. (لثی واسطی، همان: ۸۹)

تمام امید خود را برای خدای سبحان بگردانید و به کسی غیر از او امید نداشته باشید که هر کس به غیر خدا امید بندد ناامید می‌شود.

سه. توکل به خدا تکیه‌گاه امید

از منظر قرآن، انرژی روانی لازم برای رسیدن به هدف، یکی دیگر از مؤلفه‌های امید است؛ به عبارت دیگر اگر برای دستیابی به هدفی مشخص، انرژی روانی زیادی وجود داشته باشد، وضعیتی مناسب پدید می‌آید تا انسان برای یافتن راه‌های درست برای رسیدن به هدفش تلاش کند، این انرژی روانی؛ یعنی این باور که «من می‌توانم با توکل به خدای متعال، کاری را انجام دهم» در قرآن، ایمان و اعتقاد کامل به خدا است؛ خدای متعال درباره افرادی که به خدا ایمان کامل داشتند و از دشمنان نه‌راسیدند، می‌فرماید: «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ ءَامَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى؛ (کهف / ۱۳) آنها جوان مردانی بودند که به خدای خود ایمان آوردند و ما بر مقام (ایمان) هدایتشان بیفزودیم.» علت افزودن هدایت، داشتن روحیه معنوی است. (پرچم و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۹ - ۱)

قرآن کریم گاه به رهبران الهی و امت اسلامی دستور می‌دهد، مقاوم باشند و استقامت ورزند و آنان را به داشتن قوه و قدرت امر می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا كِتَابَ بَقُورَةٍ»، (مریم / ۱۲) «خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ»، (بقره / ۶۳) «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال / ۶۰) و زمانی آنها را از وهن و سستی باز می‌دارد. در برخی آیات،

نتیجه امتثال این امر و نهی از سوی مردان الهی را نیز بیان می‌کند و آنها را مورد ستایش قرار می‌دهد؛ پیروان بسیاری از پیامبران الهی به تبع آنها، قیام کردند و وهن و سستی به خود راه ندادند و صابر بودند و محبوب خدا شدند: «وَكَانَ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِيبُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران / ۱۴۶) خداوند سبحان جهان را بر پایه علم و حکمت و مصلحت اداره می‌کند، فرمان ایستادگی نیز در پرتو علم و حکمت الهی و به سود خود مومنان است و چنانچه سستی به خود راه نداده و پایداری کنند، پیروز خواهد کرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۰ / ۳۲۰)

در نتیجه وقتی ایمان به صورت کامل در دل انسان مستقر شود، او افزون بر توجه به عبودیت و عبادت خدا (افزایش انگیزه و امید فردی) به سوی اجتماع نیز معطوف می‌شود تا نیازهای افراد اجتماع را برطرف و کاستی‌ها را جبران کند (افزایش انگیزه و امید اجتماعی) (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۹ / ۱۱) بدین ترتیب، در پرتو ایمان و توکل به خدا، انگیزه روانی فرد و نیز دیگر افراد جامعه، در بعد اصلاحات فردی و اجتماعی افزایش می‌یابد، داشتن این پشتوانه و احساس قطعی در رسیدن به هدف، خود بهترین ضامن برای تحقق هدف و تلاش برای دست یافتن بدان است. (همان: ۱۹ / ۱۹۶)

چهار. تلاش

با دقت در آیات و روایات روشن می‌شود که تلاش برای دستیابی به هدف لازمه امید است، بدون سعی و تلاش برای نیل به هدف نمی‌توان به چیزی امید بست، چه اینکه در آیه ۱۱۰ سوره کهف تصریح می‌کند کسی که امید به لقای الهی دارد، باید این امید همراه عمل صالح باشد، یا اینکه امید به تجارت بی‌پایان فرع بر تلاوت کتاب خدا و اقامه نماز و انفاق است: «إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ». (فاطر / ۲۹) امام صادق علیه السلام دل خوش کردن به رحمت الهی، با ارتکاب گناه و بدون عمل صالح را نشان‌دهنده دروغ بودن ادعای افراد معرفی می‌کند، شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد که گروهی از موالی شما گناه می‌کنند و می‌گویند ما امید داریم. حضرت فرمود: اینها کسانی هستند که به آرزو دل خوش‌اند و دروغ می‌گویند و از موالیان ما نیستند؛ چون کسی که به چیزی امید دارد آن را می‌طلبد و از چیزی که می‌ترسد می‌گریزد. (کلینی، ۱۳۶۹: ۲ / ۶۸)

آیات و روایات توصیه به عمل متناسب با دستیابی به هدف را شرط لازم برای امید معرفی می‌کنند؛ بنابراین می‌توان بر اساس آیات و روایات مؤلفه دیگری برای امید ذکر کرد و آن سعی و تلاش عملی برای دستیابی به هدف است که فقدان عمل و صرف امید داشتن، امیدی واهی و یا دست‌کم داشتن آرزوی صرف «آمل» یا تمنی خواهد بود که چه‌بسا فرد به آنچه آرزوی دستیابی به آن را دارد، هیچ‌گاه نرسد و به‌همین دلیل نیز در آیات و روایات مورد نکوهش واقع شده است.

اقسام امید

در نگاه قرآنی، امید جزو اوصاف کمالی انسان بوده و به سبب آن کارهای او ارزش اخلاقی پیدا می‌کند و دارای مراتب و درجاتی است که بالاترین آن امید به خدا و اسماء و صفات او است و قرآن ما را به آن فراخوانده: «وَلَئِنَّكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ» (بقره / ۲۱۸) و مراتب پایین‌تر، امید به شفاعت انبیاء و اولیاء و امید تجارت سودمند است: «يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ» (فاطر / ۲۹) که همگی مشروط به اذن خدا است. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۳ / ۳۱۷) از این منظر، اگر چه امید ماهیتی مثبت و پسندیده دارد، اما از آنجا که عوامل پدیدآورنده (متعلقات) و موانع آن ممکن است ماهیتی واقعی یا غیر واقعی داشته باشد به چند دسته تقسیم می‌شود.

یک. امید حقیقی

امید حقیقی، آرزویی است که با سعی و تلاش همراه بوده و بر واقعیاتی مبتنی است که انسان را به تحرک، نشاط و پویایی سوق می‌دهد. امید واقعی از سه جزء «شناختی، عاطفی و حرکت» تشکیل می‌شود، باغبانی را در نظر بگیرید که در ذهن خود نتایج کار خود را که باغی سرسبز و آباد است تصور می‌کند و به منظور تحقق آن به فعالیت می‌پردازد. میوه شیرین و گوارای درخت امید آنگاه به ثمر می‌نشیند که با تلاش و کوشش آبیاری شده باشد، این مسئله در امور معنوی نیز صادق است، چه اینکه امام علی علیه السلام خطاب به شخصی که از او پندی می‌خواست، فرمود: «از کسانی مباش که بدون عمل به آخرت امید بسته‌اند و به سبب آرزوی دراز، توبه را به تاخیر می‌افکنند». (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰)

در آیات، روایات و دعاها و آمده از معصومین علیهم السلام داشتن امید به خدا و لقای الهی و امیدواری در امور معنوی و آخرتی از مصادیق امید حقیقی و صادق بیان شده است.

۱. امید داشتن به خدای متعال

فطرت آدمی مطلق‌گرا است و همواره در جستجوی کمال مطلق به سر می‌برد. به همین دلیل به هیچ حدی از کمالات قانع نیست. این خصوصیت فطری که انسان را به خداشناسی دعوت می‌کند درحقیقت این موضوع را به انسان متذکر می‌شود که گمشده و مطلوب و آرزوی حقیقی انسان خدا است، انسان به دنبال خدا است و نمی‌داند که چه می‌خواهد، درحقیقت همه آرزوها به خدا ختم می‌شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۴ / ۹۴) بدین جهت، اهل معرفت به او عشق می‌ورزند و نهایت آرزوهای آنان خدا است و اگر با خدا پیوند برقرار شود موجب کامیابی فرد در دنیا و آخرت خواهد شد: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ (نساء / ۱۳۴) هرکسی پاداش دنیا را بخواهد، پاداش دنیا و آخرت نزد خدا است.» و نشانه آشکار امید به خدا انجام عمل صالح و شرک نورزیدن است: «مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»، (کهف / ۱۱۰) امام علی علیه السلام فرمود: کسی که خدا امید و آرزوی او باشد، غایت امید و آرزویش را در می‌یابد. (لیثی واسطی، ۱۳۸۷: ۴۳۶)

۲. امید به جهان آخرت و معنویات

در قرآن کریم در مواردی «رجا» و امید به خدا نسبت داده شده (کهف / ۱۱۰، عنکبوت / ۵ و یونس / ۷، ۱۱ و ۱۵) و در مواردی به رحمت خدا (قصص / ۸۶، اسرا / ۲۸ و ۵۷، زمر / ۹، بقره / ۲۱۸ و نساء / ۱۰۴) و در مواردی هم به روز قیامت (احزاب / ۲۱، عنکبوت / ۳۶، فاطر / ۲۹، فرقان / ۴۰، جاثیه / ۱۴ و توبه / ۱۰۶) از آن جهت که قیامت عالمی است که در آن انسان مشمول رحمت ابدی الهی می‌گردد. در آیه «فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْبُدُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»، (عنکبوت / ۳۶) پس شعیب گفت: ای قوم من خدا را پرستش کنید و به روز قیامت دل بندید و طغیان نکنید در زمین در حالی که فسادکارید» متعلق امید، جهان آخرت است، در مواردی هم متعلق امید، رحمت پروردگار بیان شده است مثل آیه:

أَمَّنْ هُوَ قَانِئٌ أَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ. (زمر / ۹)

آیا آن کس که لحظات شب را در حال سجده و قیام (خاضعانه به اطاعت) به سر برد و از آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش دل می‌بندد بگو آیا مساوی هستند کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند تنها صاحبان عقل و خرد متذکر می‌شوند.

شناخت عمیق نسبت به باطن هستی و جاودانگی زندگی انسان و نعمت‌ها و نعمت‌هایی که خدا برای انسان‌های صالح و غیرصالح فراهم آورده است این حالات بیم از قیامت و امید به رحمت را در دلشان بر می‌انگیزد و تعاف و تن‌آسایی و تنبلی را از آنان دور و به جد و جهد و عبادت و شب‌زنده‌داری وادارشان می‌کند، (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۷ / ۴۰۰) در روایات نیز تلاش برای جهان آخرت، نشانه امید حقیقی و دستیابی به آن معرفی شده است. امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ جَعَلَ كُلَّ هَمِّهِ لِآخِرَتِهِ ظَفَرَ بِالْمَأْمُولِ». (لیثی واسطی، همان: ۴۴۹) نتیجه اینکه امید حقیقی اساس همه تلاش‌های مفید و پثمر انسانی است و منشأ اصلاح امور خلق در جامعه و وصول شخص به سعادت ابدی می‌شود، چنان‌که ناامیدی و یا قطع امید نسبت به خدای متعال و رحمت پروردگار و جهان آخرت منشأ همه فسادها و تباهی‌ها و منتهی شدن کار انسان به شقاوت ابدی است.

دو. امید کاذب

آن دسته از امید و آرزوهایی که با هدف اصلی خلقت انسان هماهنگ نبوده و در مسیر گمراهی و گرفتاری انسان در گرداب تخیل و غفلت از پروردگار متعال بوده و فرد را از حرکت و تلاش باز می‌دارد و در نتیجه زمینه‌ساز انحطاط اخلاقی و عملی و شقاوت فرد می‌شود، امید غیرواقعی و کاذب گویند. در این حالت شخص با امید و تکیه کردن به غیر خدا و آرزوهای باطل و طولانی، عمر گران‌بهای خود را در مسیر تباهی قرار می‌دهد، امام علی علیه السلام فرمود: «عمر، در میان آرزوها و خواهش‌های بیهوده تلف می‌شود» (همان: ۳۰۹) و

شیطان یکی از شیوه‌های گمراه کننده خود را ایجاد آرزوهای دروغین بیان می‌کند «وَلَا ضَلَالَهُمْ وَلَا مَتِّبُهُمْ؛ (نساء / ۱۱۹) و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهیم کرد».

به دلیل آثار و پیامدهای ناگوار چنین امیدهایی در زندگی بشر که از عوامل بازدارنده پیشرفت به شمار می‌رود، قرآن کریم و معصومان (ع) نسبت به آنها هشدار داده و نکوهش کرده‌اند: «وَعَزَّتْكُمْ الْأَمَانُ حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَعَزَّكُمْ بِاللَّهِ الْعَزُّوُ؛ (حدید / ۱۴) و آرزوها شما را فریب داد تا فرمان خدا آمد و شیطان مغرورکننده شما را درباره خدا بفریفت.» امام سجاد (ع) به خدا عرضه می‌دارد: «... وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ دُعَاءِ مَحْجُوبٍ وَرَجَاءِ مَكْذُوبٍ...؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۱ / ۱۵۶) خدایا از امید دروغین به تو پناه می‌برم».

معیارهای تشخیص امید واقعی از غیر واقعی

با مراجعه به آیات قرآن و روایات معصومان (ع) معیارهای زیر برای بازشناسی و تفکیک امید واقعی از غیرواقعی استنباط می‌شود.

یک. برخورداری از انگیزه الهی

از منظر دین، امید حقیقی آن است که از انگیزه‌ای الهی و نیتی صادق نشئت گرفته و در جستجوی حقایق ماندگار باشد. رسیدن به آرمان‌های ارزشمند در نخستین گام، نیازمند انگیزه نیکو و خودباوری، سپس تلاش، صبر و شکیبایی، استقامت، توکل بر خدا و یاری خواستن از او است، صرف داشتن امید و آرزو و دل بستن به انجام تکالیف ظاهری، فرد را به سرمنزل مقصود نمی‌رساند، از این رو خدای سبحان کسانی را که اسباب رسیدن به مطلوب (ایمان و عمل صالح) را فراهم نمی‌کنند و به مغفرت الهی امید دارند، مذمت کرده است. (اعراف / ۱۶۹) و پیامبر اکرم (ص) آنها را احمق‌ترین مردم معرفی نموده است. (ورام بن ابی‌فراس، ۱۴۱۰: ۲ / ۹۴)، امام باقر (ع) می‌فرماید: «مبادا امید دروغین داشته باشی که تو را به ترس راستین می‌اندازد». (حرانی، ۱۳۸۴: ۲۸۵) در امید کاذب هدف و مطلوب مشخص نیست، مثل سرابی است که پایه و حقیقتی ندارد، دلخوشی به آن موجب بازماندن از هدف اصلی می‌شود.

دو. ملازمت امید با عمل صالح

همراه بودن امید با عمل نیک یکی دیگر از معیارهای امید واقعی است؛ امید حقیقی، فرد امیدوار را به کار و تلاش جهت دستیابی به هدف و می‌دارد، لقای پروردگار و رسیدن به بهشت جاودان عمل صالح می‌خواهد و با ادعا و آرزوی واهی انسان راه به جایی نمی‌برد: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا؛ هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید کاری شایسته کند» و نیز فرمود: «لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ

يَعْمَلُ سُوءًا يُجْزَى بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا * وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا». (نساء / ۱۲۳ و ۱۲۴)

امام علی (علیه السلام) تکیه بر عمل صالح را نشانه انسان عاقل و کوتاهی در انجام عمل را ویژگی انسان نادان معرفی می‌کند، خردمند به خویش تکیه می‌کند و نادان به آرزوی خویش تکیه می‌زند، (لیثی واسطی، همان: ۱۸) نادان به آرزوی خویش تکیه می‌کند و در عملش کوتاهی می‌ورزد. (همان: ۹۵)

سه. همراه بودن امید با بیم

خوف و رجا همیشه با یکدیگر هستند و این ملازمت نیز یکی دیگر از شاخصه‌های امید واقعی است، در قرآن کریم این دو واژه معمولاً در کنار هم ذکر شده‌اند: «وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ؛ (اعراف / ۵۶) و خدا را از روی بیم و امید بخوانید که در آن صورت از نیکوکاران خواهید بود و رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است»، مراد از خوف و طمع، ترس از عدل خدا و دوزخ و طمع به فضل الهی و بهشت است، خوف و طمع مراتبی دارند که بهترین آنها خوف از فراق حق و طمع در وصال او است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۲۹ / ۲۱۴) سرّ همراهی بیم و امید آن است که بیم محض به یأس می‌انجامد و طمع (امید) صرف هم انسان را مغرور می‌کند. برای جبران پیامدهای ناخواسته هر یک به تنهایی، این دو را با هم یاد فرمود تا عبادت نیز مانند دیگر کائنات در مجرای ناموس عام جهانی «جذب و دفع» قرار گیرد. (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۸ / ۱۶۰)

امام باقر (علیه السلام) در توصیف این همراهی مبارک می‌فرماید: «هر بنده مؤمنی در قلب خود دو نور دارد، نور بیم و نور امید، اگر این دو نور در ترازو کشیده شوند، هیچ یک از دیگری سنگین‌تر نخواهد بود». (کلینی، ۱۳۶۹: ۲ / ۶۷)

مؤمن باید همواره میان بیم و امید به سر برد و در بیشتر عمر به‌ویژه جوانی و میان‌سالی که دوران بهره‌مندی از نعمتهایی چون جوانی، ثروت و مقام و ... است، نیازمند به عامل کنترلی نظیر ترس از دوزخ است تا مغرور نشود، از این‌رو باید ترسش بیشتر از امید و طمع باشد و در پایان عمر و پیری امیدش بیشتر از خوف و یأس باشد و به آیات رحمت، مغفرت و بشارت، بیش از آیات عذاب دل ببندد تا به خطر ناامیدی دچار نگردد.

چهار. رعایت اعتدال در آمال و آرزوها

درست است که امید و آرزو و رحمت الهی، نعمت و سرمایه و قوام زندگی است، اما اگر این سرمایه درست و به‌جا مصرف نشود، همانند همه نعمت‌های دیگر خدادادی به نعمت تبدیل شده و موجب بدبختی و تیره‌روزی انسان می‌گردد، شرط صحیح بهره‌مندی از نعمت آرزو، معرفت و شناخت است، اگر آرزوها از حد بگذرد و به‌صورت آرزوی طولانی در آید و شخص نداند در دنیا چه آرزوهایی عقلایی، منطقی و دست‌یافتنی است،

عمر خود را صرف خیالات و موهوماتی می‌کند که هیچ‌گاه به آنها دست نخواهد یافت و در نتیجه به رنج و سختی گرفتار خواهد شد. امام سجاده علیه السلام از خدا امید و آرزویی را درخواست می‌کنند که متناسب و معقول باشد؛ «اللَّهُمَّ رَبَّ الْعَالَمِينَ ... أَسْأَلُكَ ... وَمِنَ الْأَمَالِ أَوْفَقَهَا ...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۱ / ۱۵۵) امام علی علیه السلام نتیجه آرزوهای طولانی را تباهی عمل بیان می‌کنند. (حرانی، ۱۳۸۴: ۳۹۹) در احادیث اسلامی، از یک‌سو جهل، حماقت، غفلت، آلودگی‌های اخلاقی و عملی، دنیاپرستی و شقاوت به‌عنوان ریشه‌های آرزوهای باطل و نکوهیده، معرفی شده‌اند و از سوی دیگر، زوال عقل و از دست رفتن بصیرت، فراموشی زندگی پس از مرگ، قساوت قلب، کوتاهی در انجام کارهای نیک و یا فراموش کردن آنها و افتادن در دام انواع فسادها و سختی‌ها و ناکامی‌ها، به‌عنوان آثار و زیان‌های آرزوهای نکوهیده، مطرح گردیده‌اند. (محمدری شهری، ۱۳۹۱: ۶ / ۷۰)

بنابراین تکیه بر تلاش پیگیر در راه وصول به هدف و امید حقیقی مهم‌ترین عامل موفقیت انسان است که بر اساس واقعیات زندگی کند تا مسیر کمال و سعادت خود را باز یابد، در غیر این صورت فردی که گرفتار اوهام و تخیلات است نتیجه‌ای جز پشیمانی، سقوط و گمراهی نخواهد داشت.

آثار امید

امید به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی، ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان را تحت تاثیر قرار می‌دهد و چندان میوه شیرین به‌بارمی‌آورد که زندگی دنیوی و اخروی را بر فرد امیدوار شیرین می‌کند، برخی از آثار امید مستفاد از آیات و روایات عبارت‌اند از:

یک. تهذیب نفس و تکامل معنوی در پرتو امید

یکی از آثار امید تهذیب اخلاق و اصلاح ساختار صورت باطنی انسان است؛ از جمله عوامل ایجاد امید، علم به سعه رحمت و ایمان به بسط فیض و کمال و اسماء و صفات پروردگار است، همین معرفت، سالک امیدوار را به تزکیه اعمال و تصفیه اخلاق و جدیت در اطاعت اوامر مولی و ولی النعم دعوت می‌کند، صاحبان رجا، از عمل باز نمی‌مانند بلکه جدیت آنها بیش از دیگران است. (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۱۳۲) امام صادق علیه السلام فرمود:

مؤمن، مؤمن نباشد مگر اینکه ترسان و امیدوار باشد و ترسان و امیدوار نباشد، مگر اینکه برای آنچه می‌ترسد و امید دارد کار و تلاش نماید. (مفید، ۱۴۱۲ ق: ۱۹۵)

بنابراین ثمره امید حقیقی آن است که فرد امیدوار متناسب با آن امید، تلاش کند و با دعا، تضرع، عبادت، عمل صالح و پالایش درون از آلودگی‌ها بکوشد تا بدان امید که همان تکامل روحی و معنوی است دست یابد.

دو. تحرک، نشاط و سرزندگی

آدمی به‌طور غریزی خواهان زندگی و لذت بردن از زندگی است و امید لازمه زندگی است و بدون امید زندگی انسان تداوم نمی‌یابد. امید عاملی برای سرزندگی و شوق‌آفرینی و ماندگاری است. آنچه مایه دوام زندگی و حتی استواری نظام اجتماعی می‌شود، امید داشتن به اهداف بلند است، قرآن کریم امیدواری به فضل و رحمت الهی را که مایه سعادت انسان‌ها است، عامل نشاط و شادمانی واقعی بیان می‌کند: «قُلْ يَفْضَلِ اللَّهُ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا» (یونس / ۵۸) تلاش و فعالیت پژوهشگران، محققان، اندیشمندان، مخترعان، ورزشکاران، نام‌آوران و ... همه در سایه امید به دستیابی به دانش‌های جدید و کسب عزت و افتخار برای خود و جامعه صورت می‌گیرد.

سه. ایجاد و تقویت انگیزه در کار

مؤمن به این حقیقت باور دارد که خدا، جهان را برای انسان آفریده و انسان را خلق کرده که با رفتار اختیاری خود به کمالی دست یابد که هیچ موجودی جز او لایق دستیابی به آن کمال و رحمت خاصی که خدا برای انسان اختصاص داده است، نمی‌باشد. (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۰: ۱ / ۲۹۵) انسان وقتی خود را وسیله و مجرای تحقق این اراده الهی می‌یابد و امید دستیابی به آنها را دارد تلاش‌های خود را در این مسیر جهت می‌دهد، به تعبیر امام سجاد (ع) «سَيِّدِي ... قَدْ سَأَلَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي؛ ای مولای من ... به حقیقت امیدم مرا به سوی تو حرکت داده». (طوسی، ۱۴۱۱: ۲ / ۵۹۲) انجام عبادتی، انفاق، ایثار، انتخاب شغل تعلیم و تربیت، ازدواج، فرزندآوری و ... همه ناشی از امید به دستیابی به هدف آفرینش است.

چهار. دستیابی به اطمینان نفس و آرامش درونی

وقتی انسان به خدا امید و باور داشت که سر و کارش با خداست و به قدرت و رحمت بی‌نهایت او متصل است و هر گرفتاری و مشکلی برای او پیش آید، خدا می‌تواند آن را برطرف سازد، غم و اندوه از دلش زدوده می‌گردد و از هیچ کس و هیچ چیز جز خدا هراس نخواهد داشت، از این‌رو خدای متعال فرمود: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». (یونس / ۶۲) امام سجاد (ع) این گونه امید را از خدا درخواست می‌کند: «ای بهترین کسی که به او می‌توان امید داشت ... از تو درخواست می‌کنم از امیدت آن قدر مرا سرشار سازی که دلم بدان آرامش و اطمینان یابد». (مجلسی، ۱۴۲۳: ۴۰۹)

پنج. کسب موفقیت و کامیابی

یکی از آثار امید، پیروزی و پیشرفت در تمامی ابعاد زندگی است، کسی که با امید نظام درونی خود را از

فروپاشی حفظ کند و به واسطه همان انتظام درونی می‌تواند برای هر هدفی به تناسب ظروف و شرایط، برنامه‌ریزی کند و به آسانی به هدف‌های خود دست یابد، فردی که در پرتو امید به کار و تلاش می‌پردازد، به‌طور قطع به نتیجه خواهد رسید، پیامبر ﷺ فرمود: «به آنچه امیدش را نداری، امیدوارتر باش از آنچه به آن امید داری، چه، برادرم موسی بن عمران رفت که آتش بیاورد، اما خدای عزوجل با او سخن گفت». (ابن‌بابویه قمی، ۱۴۰۸: ۱۷۸)

خدای متعال به انسان وعده داده است که هیچ یک از تلاش‌هایش نادیده انگاشته نخواهد شد و تمامی فعالیت‌های صالحه‌اش ثمربخش خواهد بود: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ». (انبیاء / ۹۴)

شش. صبر در برابر مشکلات

امید به آینده برتر و روشن، ضمن تقویت روحیه انسان می‌تواند نقش موثری در تصحیح رفتار و باورهای انسان ایفا کند، خدای متعال امید به رحمت و پاداش الهی را سبب تقویت روحیه رزمندگان و آسان شدن سختی‌های صحنه نبرد معرفی می‌کند (نساء / ۱۰۴) و می‌فرماید: «امید و تکیه‌گاه شما در سختی‌ها خدا است و با داشتن چنین پشتوانه عظیم الهی نباید سستی کنید و از سختی‌های جنگ بهراسید». در جایی دیگر پیامبر را مخاطب قرار می‌دهد و مقاومت و عمل به وظیفه را زمینه‌ساز ایجاد امید (نساء / ۸۴) و در نتیجه غلبه بر مشکلات و نویدبخش فتح و پیروزی بیان می‌کند و امام علی ﷺ بزرگترین بلا و سختی را از دست دادن امید می‌داند، (لیثی واسطی، ۱۳۸۷: ۱۱۷)

هفت. عامل پیدایش روحیه شکرگزاری

امید به افزایش نعمت و نیز امید دریافت پاداش اخروی از عوامل پیدایش شکر است. قرآن تصریح می‌کند شکر از اعمال صالحی است که در پی خود نعمت می‌آورد. (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۲ / ۱۸۲) «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛ (ابراهیم / ۷) اگر شکرگزار باشید بر نعمت‌های شما می‌افزایم.» پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «اگر خدای سبحان باب شکر را بر روی هر بنده‌ای بگشاید، باب افزایش نعمت را به‌روی او نمی‌بندد.» (کلینی، ۱۳۶۹: ۲ / ۹۴) از این‌رو گروهی از بندگان آگاه با توجه به این رابطه، خدا را شکر می‌گزارند و امیدوارند که نعمت آنها فزونی گیرد.

هشت. اصلاح و تربیت

امید به رحمت و لطف پروردگار و پذیرش توبه از سوی خدای سبحان عامل موثری برای بازگشت افراد خطاکار و گناهکار به دامن خدا و جامعه است، همان‌گونه که از آیات متعدد قرآن مجید استفاده می‌شود،

توبه تنها ندامت و پشیمانی از گناه نیست، بلکه باید توام با اصلاح و جبران نیز باشد و درواقع هدف این است که روح آلوده به گناه با عمل صالح و شایسته‌ای شست‌وشو شود و پاکی نخستین و فطری را باز یابد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۸ / ۱۶۲) قرآن کریم در آیات متعددی این موضوع را متذکر شده و همواره دریچه امید را برای اصلاح و پذیرش افراد خطاکار باز گذاشته است، در آیه ۶۴ سوره نساء طلب آمرزش خطاکاران از سوی خدا و طلب آمرزش آنها توسط پیامبر ﷺ زمینه‌ساز اصلاح و تربیت ذکر شده است؛ چه اینکه در آیه ۱۰۲ سوره توبه افراد گناهکاری که اعمال نیک و بد دارند، خداوند امید به بخشش را به آنها نوید داده تا زمینه اصلاح و گرایش به سوی کارهای نیک در آنها تقویت شود: «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ؛ امید می‌رود که خدا از گناهشان درگذرد» منظور این بوده که امید را در دل آنها رخنه دهد تا یک‌سره از رحمت خدا مأیوس نگردند، بلکه در میان خوف و رجا باشند، شاید جانب رجا قوی‌تر شود؛ چون جمله «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» جانب رجا را قوت می‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۹ / ۵۱۱)

نه. صدور اعمال نیک

امید به لقای پروردگار، در پی‌دارنده پای‌بندی به اوامر و فرمان‌های الهی و مبادرت به اعمال صالح است. لقای پروردگار، که همان مشاهده باطنی ذات پاک او با چشم دل و بصیرت درون است، گرچه در این دنیا هم برای مؤمنان راستین امکان‌پذیر است، اما از آنجا که این مسئله در قیامت به‌خاطر مشاهده آثار بیشتر، روشن‌تر و صریح‌تر، جنبه همگانی و عمومی پیدا می‌کند، این تعبیر در لسان قرآن، معمولاً در مورد روز قیامت به‌کار رفته است. (مکارم شیرازی، همان: ۱۲ / ۶۲۳) «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا» (کهف / ۱۱۰) چون روز قیامت روز ظهور حقایق است که قرآن کریم در باره‌اش فرمود: «وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ؛ (نور / ۲۵) آن روز یقین می‌کنند که خدا حق آشکار است»، بنابراین مراد از «لقاءالله» قرار گرفتن بنده است در موضعی که بین او و بین پروردگار حجابی نباشد. (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۱۶ / ۱۵۱) طبیعی است اگر انسان انتظار و امید چیزی را دارد، باید خود را برای استقبال از آن آماده کند.

ده. شوق و محبت

شوق و محبت را می‌توان یکی از آثار امید دستیابی به کمالات نامتناهی حضرت حق دانست. یقین به عظمت، کمال و جمال در انسان شوقی می‌انگیزد و شوق به دیدار، آتشی در درون می‌افروزد که التهابش در ظاهر رفتار آدمی پیدا است. داستان جوش‌وخروش و تب‌وتاب انبیاء و اولیاء در نماز و دعا و مناجات، چیزی نیست جز ظهور شوق به‌لقای حضرت محبوب. در روایت است که ابراهیم خلیل الله ﷺ در نماز به‌سان دیگ جوشان در تب‌وتاب می‌شد. (ابن‌بابویه، ۱۴۱۰: ۲۸۲)

نتیجه

امید، انتظار و اشتیاق به امری محبوب و پسندیده است که اکثر اسباب و موجبات آن محقق شده باشد، امید مترادف رجا در زبان عربی است. در آموزه‌های قرآنی و روایی بیم و امید در کنار هم بیان شده است. بیان سرگذشت انبیاء الهی و حوادث زندگی آنها الگویی برای انسان‌ها است که در پرتوی امید و رحمت الهی، شکست به تجربه‌ای برای موفقیت آینده تبدیل می‌شود؛ اهداف، باور به اسباب و علل، توکل به خدا تکیه‌گاه امید و تلاش از مؤلفه‌های امید در اخلاق اسلامی به‌شمار می‌رود.

در نگاه قرآنی امید جزو اوصاف کمالی انسان بوده و به سبب آن کارهای او ارزش اخلاقی پیدا می‌کند. امید دارای آثار و پیامدهای مثبت فراوانی است، تهذیب نفس، تحرک و نشاط، تقویت انگیزه، دستیابی به آرامش درونی و صبر در برابر مشکلات از مهم‌ترین آثار امید است. یأس و قنوط از مفاهیم متضاد با امید بوده و در روایات، ناامیدی از گناهان کبیره به‌شمار آمده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج‌البلاغه، گردآوری سید رضی، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت.
- ابن‌بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی، ۱۴۰۸ ق، الامالی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- _____، ۱۴۱۰ ق، الخصال، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۸۴ ق، تحف العقول عن آل‌الرسول، کتابفروشی اسلامیة.
- ابن‌طاووس، علی بن موسی، ۱۴۰۹ ق، اقبال الاعمال، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ابن‌فارس، احمد، ۱۴۲۲ ق، معجم مقاییس اللغة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۸۱، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- انوری، حسن و همکاران، ۱۳۹۰، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن.
- ایزوتسو، توشیهیکو، ۱۳۷۸، مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران.
- پالمر، فرانک، ۱۳۶۶، نگاهی تازه به معناشناسی، ترجمه کوروش صفوی، تهران، نشر مرکز.
- پرچم، اعظم و همکاران، ۱۳۹۲، «ابعاد سه‌گانه نظریه امید اسنادی و تطبیق آن با دیدگاه قرآن کریم»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۱۹، ص ۲۹ - ۱، تهران، دانشگاه الزهراء.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- تهرانی، مجتبی، ۱۳۹۵، اخلاق الهی، تدوین و تحریر محمدرضا جباران، زیر نظر علی‌اکبر رشاد، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۹، فلسفه و هدف زندگی، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

- جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۶، *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، *مراحل اخلاق در قرآن*، ج ۱۱، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۹، *تسنیم، تفسیر قرآن کریم*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۲، *ادب فنای مقربان*، قم، اسراء.
- دامغانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶ ق، *الوجوه و النظائر لالفاظ کتاب الله العزیز، حقه و قدم له محمد حسن ابوالعزم الزفیتی*، قاهره، مجلس الاعلی للشئون الاسلامیه، لجنه احیاء التراث.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، *لغت نامه دهخدا*، تهران، روزنه، چ ۲.
- دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ ق، *اعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی تا، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۴ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه نشر الاسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۱ ق، *مصباح المتعبد و سلاح المتعبد*، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه.
- عسکری، حسن بن عبدالله، ۱۴۰۰ ق، *الفروق فی اللغة*، بیروت، دار الآفاق الجدیده.
- کفعمی، ابراهیم بن علی، ۱۴۰۵ ق، *المصباح للکفعمی (جنه الامان الواقیه)*، قم، دار الرضی.
- _____، ۱۴۱۸ ق، *البلد الامین و الدرع الحصین*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹، *الکافی*، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامیه.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۸۷، *عیون الحکم و المواعظ*، تهران، مؤسسه البعثه.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام*، بیروت، مؤسسه الوفاء و دار الاحیاء التراث العربی.
- _____، ۱۴۲۳ ق، *زاد المعاد - مفتاح الجنان*، تصحیح علاءالدین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- محمدی ری شهری، محمد و همکاران، ۱۳۹۱، *دانشنامه قرآن و حدیث*، ترجمه حمیدرضا شیخی و دیگران، قم، دار الحدیث.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۷، *اخلاق در قرآن*، تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۰، *سجاده های سلوک؛ شرح مناجات های حضرت سجاد علیه السلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی تبریزی، حسن، ۱۴۱۶ ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معلوف، لوئیس، ۱۹۹۲ م، *المنجد فی اللغة*، بیروت، دار المشرق.
- مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *الامالی*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۳، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، ۱۴۰۹ ق، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه اهل البيت علیهم السلام.

